

فکر زندگی  
ماهی نام  
ماهی

شماره بیست و ششم  
شهر سپهر ۱۴۰۰



## فهرست مطالب:

- سری وه‌کا ..... صفحه ۳
- بخشش (تجربه شیدا) ..... صفحه ۵
- روح (بخش ششم) ..... صفحه ۷
- درس‌هایی از گورو (بخش دوم) ..... صفحه ۱۱
- دوره‌های اکویدیا (بخش پنجم) ..... صفحه ۱۳
- ماندن یا رفتن (تجربه شیدا) ..... صفحه ۱۶
- طب گیاهی ..... صفحه ۱۹
- درسی از مولانا (مسجد مهمان‌گش) ... صفحه ۲۳



# سر وِه کا



خداوند نیازی ندارد تنها از طریق یک شخص بر تو ظاهر شود، بلکه خداوند از طریق هر آنچه هست و خلق شده است بر تو ظاهر می شود. این آگاهی اوست که در این عصر به نام آگاهی وِه کا می شناسیم.

ریبازار در مورد وِه کا می گوید:

در این عصر، وِه کا قدرتِ اک در این سیاره است. او جزء مرموزترین استادانِ اک است که این سیاره را به سوی مرز انهدام صغیر پیش خواهد برد.  
وِه کا در سیمای پیروانش می درخشد. او فرای جنسیت های بشر چون هولوگرامی بر چهره واصلینش خواهد نشست و پیروانِ اک را دارشان خواهد داد.  
بنابر این وِه کارا همیشه با واصلینش، بسیاری اشتباه خواهند گرفت.

نفی مُقَلَّد، از نفس است.

نفی آگاه، از صداقت است.

نفی، قدرتی از خداست.

اما نفی بی علم، از نفرت است،  
بی قدرت و خاموش است.



گفته های شمس در مورد وِه کا:

در به زبان آوردن نام وِه کا بسیار احتیاط کنید.

کسی که نام وِه کارا زمزمه کند، ستایش کند، تمسخر ورزد، در معرض قدرت چاییدن قرار خواهد گرفت و وجود او برای دیگران فاش خواهد شد.



ما هستیم  
ما هستیم  
ما هستیم



# سرروه کا



زندگی در اطراف شما و واکنش  
های شما در پڑواک است.

این بخشی از انعکاس خویش  
کاذب است.

اما حیات خدا در خویش برتر یافت  
می شود که فرای ادراکات حسی، شما  
را به عمق سرزمین خدا رهنماست.

سه سوار، آگاهی خدا را حمل می کنند:

نخستین سوار، صوت است که از عدم برخاست.

دومین سوار، نور است که از عیان و نهان برخاست.

سومین سوار، چاییدن است که سوار اول و دوم را مرکب داد.

آنکه به نسیان خود رود به عمق،  
به خروج خویش از خود،  
به خدا رسد.



## برکت باشد

بِنِ كُنْ قِنْبًا اَزْ كُنَابِ

مِنْ اِقْبَانَتِي، بِنِ وِ كَا

# ماہنامہ



# بخش پنجم

چند سال پیش من و شریک سابقم در امور مالی کارمان به مشکل برخوردیم. دوسال درگیر پاس کردن چک بودیم و شبانه روز تلاش می کردیم تا هر طور شده بدهی هایمان را پاس کنیم.



بعد از دوسال اوضاع بهتر شد و یک شب که با هم صحبت می کردیم، گفت: «باید یک اعترافی کنم. من دوسال پیش از روی لجبازی با تو حرفت را گوش ندادم و در فلان قضیه معکوس عمل کردم. همه این اتفاقات به خاطر آن لجبازی من بود. اما خودم هم آسیب دیدم و کارمان را هم از دست دادیم.»

خشکم زد. اصلاً انتظار چنین حرفی را نداشتم، اما من یاد گرفتم در این مواقع هیچ حرفی نزنم تا وقتی بتوانم خارج از تأثیرات کالبدیم تصمیم بگیرم. بنابراین به او گفتم: «احتیاج به تنهایی دارم و رفتم.»

به رختخواب رفتم و خودم را از لحاظ احساسی آرام کردم. سپس به خواب رفتم.



صبح بیدار شدم و مشغول انجام کارهایم شدم. همین طور که کار می کردم متوجه شدم در این دوسال سخت، من درس های ارزشمندی از لحاظ رشد و آگاهی گرفتم. دیگر چه اهمیتی دارد که سخت بوده است؟ سختی و آسانی لباس درس هستند. به جای ناله و شکایت، درس های جدیدم از این اتفاق را مرور کردم، از اعتماد بی جا، تا بستن پرونده این کارما و...

فکر بزرگ  
راهنما



# بخش پنجم

لبخندی از رضایت زدم و ناگهان احساس شفقتی نسبت به شریک سابقم در قلبم شکل گرفت. او خواست به من آسیب بزند، اما چطور زندگی خودش و حتی جسمش دچار مشکل شد. او نیز درس خودش را یاد گرفته بود.

از صمیم قلب او را بخشیدم و دیگر به کار او فکر نکردم.

از عصر همان روز موج جدیدی از درس‌ها که کاملاً متفاوت با قبل بود، به زندگی من وارد شد. این بخشش، قلب من را باز کرده بود و ظرفیتی برای درس‌های جدید به وجود آمده بود.



روش کار ظریف استاد درون را در طی این چند سال دیدم که آرام آرام من را آموزش می‌داد.

عشق باشد

فکر زود کرد  
راست نام  
ما



# روح (بخش ششم)



این مطلب در ادامه سری مقالات روح می باشد که از چند شماره قبل در نشریه آغاز شده است. در این مقالات سعی داریم به بررسی ماهیت و کیفیات روح و تفاوت آن با سایر چیزهایی که به اشتباه روح تلقی شده اند بپردازیم.



در بخش قبلی بررسی فیلترهای آگاهی انسانی را شروع کردیم و سه فیلتر اول را بررسی کردیم.

چهارمین فیلتر آگاهی انسانی تفکر است. تفکر باعث می شود که انسان به خودش آمده و نوعی تحول و انقلاب معنوی در وجودش ایجاد شود. تفکر است که

به یک باره انسان هایی همانند کنفوسیوس و گاندی که متفکر و اندیشمندان بزرگی بودند، متجلی شده و پیام آوری برای انسان ها باشند. این افراد به این درک رسیده اند که آن سه فیلتر قبلی نمی تواند گویای تمامیت انسان باشد. این انقلاب و جهش درونی، توانایی مطلوب بشر است.

اما همین تفکر با همه توانائی هایی که دارد، می تواند انسان را اسیر خودش کرده و او را غرق در فلسفه، ذهن، تفکر و اندیشه های مختلف کند. بشر از این حالات و اندیشه ها لذت می برد، از این شاخه به آن شاخه و از این عرفان به آن عرفان و از این دین، به آن دین می رود و خود را بر فراز آسمان ها می بیند. او در اینجا سرگردان خواهد شد ولی کسی که آن تحول درونی برایش پیش آمد و طبق تعالیم اک یا بنی خودش را با نور و صوت خداوند کوک کرد، موفق می شود و راه را پیدا می کند.



تفکر و اندیشه به همان اندازه که خوب است می تواند مضر هم باشد. در حالیکه روح اندیشه نیست. اما اندیشه یا ضمیر ناخود آگاه از کجاست؟

از خیال و قدرت تخیل روح می آید.

فلسفه زندگی  
با عشق  
پادشاه



# روح (بخش ششم)



خیال الهی که استادانِ اک به صورت تمثیل و کنایه از آن می گویند. هر چیزی را که هم اکنون شما در این جا می بینید بخشی از خیال الهی است. یعنی من، شما و همه چیز بخشی از خیال الهی هستیم که به این صورت شکل گرفته ایم.

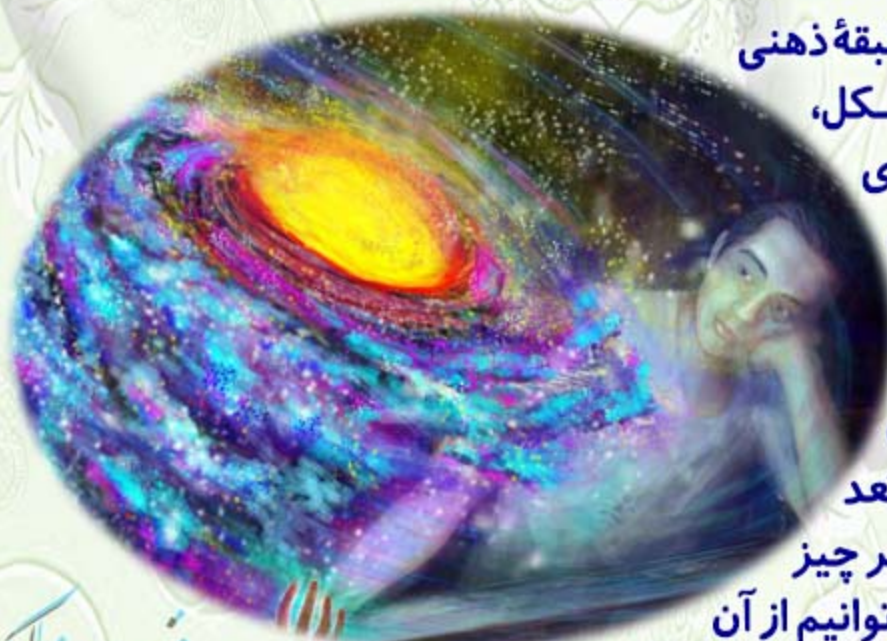
در مورد خیال الهی، سری ریازارتارز به تفصیل سخن گفته اند. تخیل الهی با وهم انسان فرق می کند. انسان با توهم خود، تخیل دارد، که در حقیقت تخیل نیست بلکه تجسم است. تجسم انسان تماماً وهم است. توهم آن چیزی است که خودش تجسم می کند. اما خیال الهی این گونه نیست.



آن چیزی است که ما را می کشد و می برد و جذب می کند.

این تفاوت تخیل الهی و تجسم است. پس تجسم، هیچ ارتباطی به خیال الهی ندارد. تجسم، توهم است ولی تخیل نیاز به تجسم کردن ندارد بلکه خودش می آید. یک نوع گرایش و یک مکش درونی ناخودآگاه است که ناگهانی و به صورت غیر منتظره برای شخص اتفاق می افتد. تخیل بسیار عمیق تر از ناخودآگاه است. عرفا به آن اشراق می گفتند. ولی تخیل، اشراق هم نیست.

تمامی جهان های تحتانی تا طبقه ذهنی و هر چیزی که در سطح شکل، فرم، زمان، مکان و انرژی وجود دارد و قابل رویت است، بیرونی است. چرا استادانِ اک به این جهان ها، جهان های تحتانی می گویند؟ چون وضعیت بیرونی دارند و در بُعد زمان، مکان و انرژی هستند. هر چیز بیرونی، یک ابزار است و می توانیم از آن استفاده کنیم. اما کسی که به وصل های بالاتر می رسد چه نیازی به



فلسفه زندگی  
با هم  
است





# روح (بخش ششم)



سفر روح دارد؟ واصلین برتر سفر روح را در مراحل اولیه کالپا و در وضعیت خدانشناسی نیاز دارند. زمانی که کالپا آنها را از جسم بیرون می کشد. در آن وقت لازم است که سفر روح را یاد بگیرند. بلکه شبدا لازم است که سفر روح را بیاموزد. اما فقط این یک ابزار است. کسی که در تجسم بماند و به صورت مداوم این و آن را تجسم کند و به این صورت هم از تجسمات خود، برداشت می کند و مشخص است که در گیر وهم می شود.



خیلی ها در گیر این وهم و تجسم هستند. آنها هر چیزی را که تجسم می کنند، در جهان های درون می بینند و فکر می کنند که تجسماتشان حقیقت است. اما این گونه نیست. استاد ریبازارتارز می گوید که با کوچکترین احساسات و تفکرت، تفکر در طبقه اثیری شکل به خود می گیرد و موجودات دیگر، آنها را می بینند در حالی که خودت اصلاً به آن آگاه نیستی، مورد سوء استفاده این موجودات قرار میگیری.

پس چهارمین فیلتر قدرتمند، اندیشه است. فیلتر بعدی ضمیر ناخودآگاه است. ضمیر ناخودآگاه منشأ تأثیرات بدوی، منشأ غرایز و منشأ اصلی عادات ماست. خیلی از ما انسان ها زندگی های بسیاری را با عاداتمان گذرانده ایم و چون نتوانسته ایم این عادات را ترک کنیم، آن عادات در ضمیر ناخودآگاه ما وارد شده است. بیرون کشیدن و کنترل کردن این عادات از ضمیر ناخودآگاه سخت و دشوار است. هر عادتی ممکن است زمانی طولانی ما را درگیر کند و اگر آن شامل طی زمان زیادی شود، این عادت در ضمیر ناخودآگاه فرد می نشیند.

در اینجا به مبحث بخش نخست این مقاله بازمی گردیم که درباره ویژگی های روح بود. حال می بینیم که ویژگی های روح چقدر با حالات انسانی متفاوت است. سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که ما باید با این آگاهی انسانی چه کنیم؟ این همه فیلتر، این همه زنجیر، این همه وابستگی که ایگو آن را به ما متصل

فلسفه زندگی  
با همه ما



# روح (بخش ششم)



کرده است، در حقیقت ما برده و اسیر هستیم. پس اینها چه فایده‌ای برای ما دارد؟

زمانی که روح به این تن و جسم وارد می‌شود، به خاطر ارتباطش با فیزیک و به خاطر ارتباطش با این جهان، نیاز به تعقل، احساس، عادت، کارما، فکر و ضمیر ناخودآگاه دارد، اما نباید آن را در امور معنوی دخالت دهد. ما در اک به تعقلمان در معنویت اعتماد نمی‌کنیم. نباید خیلی به احساسات اعتماد کنیم، می‌توانیم به تفکر اتمان کمی اعتماد کنیم ولی نباید در آن غرق شویم.



یکی از مسائلی که همواره در بین واصلین اک وجود داشته، این بوده است که وقتی شبدا به طبقه ذهنی می‌رسد، ترشحات مغزی و ذهنیش زیاد می‌شود. او زیاد فکر می‌کند و توهم‌هایی را برای خودش می‌سازد. بعضی از ایشان بیست سال یا بیشتر است که وارد تعالیم اک شده و همچنان در وضعیت رؤیا مانده‌اند و اصلاً نمی‌دانند که اکشار چیست. این از آگاهی انسانی و دام‌های آگاهی انسانی سرچشمه می‌گیرد. تمامی اینها ابزار ادامه زندگی ما در این سیاره هستند. ما دارای شغلی هستیم، پس باید از عقلمان در مسایل شغلی استفاده کنیم. قصد ازدواج داریم، از تعقل استفاده می‌کنیم تا ازدواجی موفق داشته باشیم، ولی انتخابات دنیوی فقط مناسب مسائل دنیوی است.

برخورد و رفتار بعضی از شبداها وقتی که وارد تعالیم اک شدند، نسبت به مسائل دنیوی اشتباه است و از آن صدمه می‌بینند. به این دلیل که فکر می‌کنند که چون وارد تعالیم اک شده‌اند، نباید به احساساتشان توجه کنند و یا نسبت به روابط خود با دیگران بی‌تفاوت هستند. این روش نیز کلاً اشتباه است که ما به نفسمان توجه نکنیم. تعالیم اک و بنی، عرفان یا مذهب نیست. برای امورات دنیوی و روزمره، اصلاً لازم نیست و نمی‌خواهد که به معنویت فکر کنیم، بلکه باید از عقل استفاده کنیم، از احساسات و خاطرات بهره ببریم. ما این ابزار را داریم و اینها خواصشان است.

برکت باشد

فصل نهم  
با تعالیم اک  
همیشه



# درس‌های انرژی گورو

(بخش دوم)



## قدرت عشق

شریعت کی سوگماد کتاب پنجم، توسط معلم کمال ترجمه و نوشته می‌شد. همگی سرگرم و مشغول انجام امورات کتابی به این مهمی بودیم.

هر کدام گوشه‌ای از آن را انجام می‌دادیم؛ اعم از ادیت نگارشی آن کتاب، طراحی عکس‌ها، صفحه‌چینی، دیزاین برای چاپ و کلی امورات دیگری انجام می‌شد.

گورو کمتر در دید عموم بود، اما من با خبر بودم که سخت مشغول ساختن فایل‌های صوتی است. او کتاب را می‌خواند و ادیت هنگام خواندن را انجام می‌داد و فایل صوتی آن را می‌ساخت، اما این ظاهر قضیه بود و باطن آن را کسی نمی‌دانست.

تنها دستگاه گورو یک گوشی موبایل قدیمی بود که با آن کتاب را می‌خواند و ضبط می‌نمود و کار مونتاژ موسیقی را روی فایل صوتی انجام می‌داد. لازم است بگویم که کارهای میکس و مونتاژ صوتی، برای همگان راحت نیست و محدود افرادی می‌توانند با چنین امکانات کمی، این کار را با یک گوشی موبایل قدیمی انجام دهند.



ط. ش. ش.



قضیه به اینجا ختم نمی‌شود. وضعیت زندگی مادی او در تلاطم‌های سخت و فشارهای فراوان خانواده بود. برای او مقرر بود که حتی استفاده از اینترنت محدود به زمان است و حق استفاده بیشتری در زمان‌های مختلف نداشت. همچنین ادیت‌های دیگری که اکثر اوقات مانعی برای ادیت کردن و بسیاری داستان‌های دیگری

فکر زید اکبر  
ما هفتام



# درس های انرگورو (بخش دوم)



که فکر می کنم کسی از آن با خبر نباشد.



با این وضعیت، او توانست تمامی کتاب شریعت کی سوگماد\_ کتاب پنجم را همراه با خواندن، ادیت کند و فایل های آن را در کمد دیواری اتاقش ضبط کند، چون شرایط او به گونه ای بود که اجازه و فرصت برای ضبط را در عموم به او نمی داد.

فایل هایی که از شریعت پنجم می شنوید در چنین وضعیتی توسط گورو به تنهایی انجام شده است. این رویدادها مربوط به سال ۲۰۱۹ است، اما هضم و درک آن اکنون برای من اتفاق افتاده است. چه چیزی می تواند چنین قدرتی به ما بدهد که کوه های سر راه را برداریم؟

من و هرکدام از خوانندگان این نوشته شاید نظری متفاوت نسبت به عملکردهای گورو داشته باشیم، اما آنچه که مسلم است قدرتی عظیم در پشت آن نهادینه بود و این قدرت تنها از عشق برمی خیزد، عشقی لایزال به سوگماد.

برکت باشد

فهرست مطالب  
ما هفتام

صفحه ۱۲



# دوره ماهی اک ویدیا (بخش پنجم)



در ادامه بررسی دوره‌های تولد در اک ویدیا، ماه پنجم یا می (۱۱ اریبهشت تا ۱۰ خرداد) می‌پردازیم:

کسانی که در روزهای حقیقت متولد شده‌اند، یا آن ماهی که ما در تقویم اک ویدیا به نام رالوت؛ Ralot می‌شناسیم و جواهرش سافیر است، از طبیعتی بسیار مثبت بهره‌مند هستند. اگرچه در صورت عدم تعادل دائماً از نوعی از انواع گوناگون ناهنجاری‌های مزمن که از



صفات ممتازة اهالی دوره موکشوو یا ماه الماس است، رنج می‌برند. این ناهنجاری‌ها عموماً در طیفی قرار دارند که در یک انتهای آن تصوراتی از این طبیعت وجود دارد که آنها می‌پندارند ذات متعالی هستند که برای نجات نوع بشر به اینجا فرستاده شده‌اند؛ و در سر دیگر آن طیف، عقده شکست ناپذیر بودن به صورت حاد و غیر قابل درمان.



رالوتی‌ها اغلب احساس می‌کنند که مثل سایرین نیستند و در ترکیب فطری آنها الگوی منحصر به فردی از صفات الهی تعبیه شده است. شغل‌های این دسته از مردم معمولاً از طیف وسیعی تشکیل می‌شود و از مشاغلی مانند مروجین مذهبی، دیکتاتورها، نقاشان مشهور تا حسابداری و مدیریت امور مالی را شامل می‌شود. آنها در اثر یک نیروی ذاتی به سوی اعتقادی رانده می‌شوند، مبنی بر اینکه وظیفه بازسازی را به عهده دارند و میل دارند باعث ایجاد نوعی حرکت اجتماعی باشند.

خاصیت تهاجمی که جزئی از ارکان وجودی

فکر زید اکوت  
ماهنامه  
ماه



# دوره نامی اک ویدیا (بخش پنجم)



رالوتی هاست، آنها را به سوی کسانی جذب می کند که در دوره موکشوو، ماه الماس، متولد شده اند. سختی الماس است که عامل جاذبه برای رالوتی ها می باشد. آنها معلم استقامت و طرفدار سختی هستند.



با توجه به طبیعت مثبتی که متولدین دوره رالوت دارند، گرایشات آنان در اصل به نوع تفکر شخصی آنان برمی گردد. ایشان می توانند در معنویت های مختلف افراد برجسته ای شوند، اما در امورات اجتماعی دارای عدم درک عمومی و ناسازگار هستند

رالوتی ها بیشتر سعی می کنند واکنش های درونیشان را مستقیماً ابراز کنند، اما در مقابل این ابراز عقیده، پذیرش واکنش های دیگران را ندارند و این به خاطر نوع کارمای پیچیده ای است که از زندگی های قبلی در ماه تولد خود به این زندگی وارد نموده اند.

یک رالوتی می تواند معلم یا هنرمند به نامی باشد، اما منصف نخواهد بود. بنابراین بهتر است متولدین این دوره تعادلی در زندگی بیرونی و اهداف و افکارشان داشته باشند.



فست زید اک  
ماه نامی اک



# دوره هاشمی اک ویدیا (بخش پنجم)



از خصایصی که دارند  
برای اثبات هر چیزی  
سخت می کوشند و در  
مقابل، حریم واکنشی و  
شخصی دیگران را کمتر  
رعایت می کنند.



صبر و شکیبایی می تواند  
آنان را در امورات زندگی  
و روابط کمک کند. به

این صورت می توانند هم از لحاظ معنوی و مادی افراد متناسب مؤثری برای  
خود و دیگران باشند.

یک رالوتی به همان سرعت که نیرومند است، به همان سرعت نیز او  
زمانی که فضای لازم را درک نکند و انرژی از خود خارج کند، می تواند به  
افسردگی های مزمن تا مرز خودکشی پیش برود.

رالوتی ها اکثراً یا شاد هستند یا غمگین هستند و این ناهنجاری به خاطر  
عدم شناخت کافی و استفاده مفید از طبیعت مثبت درونی آنان است.

برکت باشد

فست زنده اک  
ها هفت نام  
ها





# مادن پالین

کتابخانه



در سال ۲۰۱۵ در یک گروه در یک شبکه اجتماعی عضو بودم. یک روز به طور اتفاقی در این گروه نسخه پی دی اف کتاب کلید جهان های اسرار را دیدم. ادمین می گفت بنا به تقاضای اعضای گروه، این کتاب را گذاشته است. من هم کنجکاو شدم. کتاب را دانلود کردم و شروع کردم به خواندن آن.



این کتاب نقطه عطفی در زندگی من شد. بعد وارد مسیر اک شدم و از آن به بعد وقتی که به شهرهای بزرگ سفر می کردم، فقط به دنبال کتاب های پال بودم ولی فروشندگان، بیشتر کتاب های هارولد را به من پیشنهاد می دادند. آن موقع، من هنوز نمی دانستم که پال توییچل منتقل شده و به آنها اعتراض می کردم که این شخص کیه؟ چرا کتاب این نویسنده را پیشنهاد می دهید؟

آنها پاسخی نداشتند و می گفتند که اینها کتاب های اکنکار هست. حتی به فکر افتادم که آدرس ایمیل پال را پیدا کنم و به ایشان ایمیل

بزنم. تا اینکه در مقدمه یکی از کتاب هایش خواندم که پال در فلان تاریخ منتقل شده است. تا یک هفته عزادار بودم و حتی کلی گریه کردم، بعد از یک هفته کم کم سعی کردم در مراقبه هایم با هارولد ارتباط برقرار کنم.

تقریباً همه کتاب های پال را خواندم، به غیر دو سه تایی و کتاب های هارولد را شروع کردم. مراقبه همراه با ذکر هیو و مجسم کردن چهره هارولد در تیسراتیل را به طور منظم داشتم. اما احساس یک خلاء در درون می کردم و آن نیاز به یک راهنما و یا معلم بود. هیچ کسی را که با این تعالیم آشنا



راهنما  
بزرگ





# مادن پارتن

تازه بیدار



باشد، نمی‌شناختم. در شبکه‌های اجتماعی مجازی، انواع و اقسام کانال‌های آموزش آشپزی، شیرینی پزی، خیاطی، مدیتیشن و مراقبه و... بود به خودم می‌گفتم دریغ از یه کانال مرتبط با اِک.

تازه با این شبکه‌ها آشنا شده بودم و حتی روش جستجو کردن در آنها را هم بلد نبودم، تا اینکه یک روز ساعت پنج صبح که برای مراقبه بیدار شده بودم، ناخودآگاه گوشی‌ام را چک کردم. دوستم لینک یک کانال را برایم فرستاده بود. کانال واهانا بود. خیلی ذوق کردم. وارد شدم. اولین پیام فراخوان داده بودند برای گروه تازه‌واردین و سقف هم ۱۰۰ نفر تعیین کرده بودند. بلافاصله وارد شدم و این یک نقطه عطف دیگری در زندگی من بود؛ وارد شدن به مجموعه فرزندان اِک.



شهریور سال ۲۰۱۶ بود و آن سالی بود که آقای الماسی افشاگری‌هایی بر عدم صلاحیت استادی هارولد ارایه داده بودند. گروه مناظره هم بود و من که از همه جا بی‌خبر بودم با یک گردباد مواجه شدم. دقیقاً از زمانی که وارد فرزندان شدم، دیگر هارولد در مراقبه و در تیسراتیل ظاهر نمی‌شد. به مدت یک ماه نمی‌توانستم مراقبه انجام بدهم. انگار از درون به هم ریخته بودم، اما به صورت مداوم با استاد درون صحبت می‌کردم که حالا چه کار باید بکنم. بمانم یا بروم؟

برای من که تازه‌وارد بودم و کلی اشتیاق داشتم و تازه راه اصلی را پیدا کرده بودم، مواجه شدن با این تنش‌ها سخت بود. شوکه شده بودم. البته این شوک بیرونی بود، چون از درون ندایی می‌گفت: «صبر کن. فقط صبور باش». دو تا رؤیای جالب هم داشتم. در یک رؤیا صدایی را شنیدم که برایم توضیح می‌داد که اینها (طرفداران هارولد) در استدلالات



راهنما



بسته شد

# مادین پارتین

ذهنی شان اسیر شده اند.

رؤیای دیگری با سری گوپال داس داشتم که یک ردای سفید پوشیده بودند. البته در فاصله ای نه چندان دور ایستاده بودند و لوحی در دست داشتند و اشاره به آن لوح می کردند. من گفتم: «متوجه نمی شوم شما چه می گوئید».



بعد ایشان واضح تر گفتند: «سوگماد، سوگماد، سوگماد» و این ذکر را چند بار تکرار کردند. از خواب که بیدار شدم، دیگر نگران هیچ چیز نبودم، چون انتخاب خودم را کرده بودم که بمانم و بعد از آن فقط سعی کردم تعادل را حفظ کنم و روی آموزش ها و تعالیمی که در مجموعه فرزندان است، تمرکز کنم. به این صورت بود که توانستم از آن بحران خلاص شوم و در مسیر آموزش ها قرار بگیرم، تا به امروز که به عنوان یک آراهاتا در بنیاد بنی مشغول خدمت به اک هستم.

برکت باشد

فکر نزدیک  
راست نام  
ما



# طب گیاهی



بنابر آموزه‌های بنی، هر شب‌دایی موظف است از جسم فیزیکی خود مراقبت کند، پس مسیرِ اک به سالم نگه داشتن جسم توجه بسیاری دارد و این سلامت، شب‌درا را قادر می‌سازد تا دیدگاه فطری و ذاتی خودش را که دیدگاه روح است کشف و پیدا کند و همچنین او را راهنمایی می‌کند تا با شناخت و استفاده کردن از این دیدگاه از جادوی شفادهی و درمانگری پنهان در گیاهان استفاده کند.

برای تمام بیماری‌ها درمان و راه علاج وجود دارد، ولی این درمان‌ها حالت شخصی و فردی دارند که بر اساس اصلاح و تنظیم میزان ارتعاش هر شخصی است.



در این جهانی که ما در آن هستیم، جنبه‌های متضاد بسیاری وجود دارد؛ مثل روز و شب، مذکر و مؤنث، بیماری

و سلامتی و ... ما می‌بینیم که تمام این جنبه‌های متضاد در کنار هم به وجود خودشان ادامه می‌دهند. در تعالیم اک هم گفته شده که این جهان‌های پایین، جهان تضادها و دو قطبیتی است، پس همیشه مطابق با قوانین معنوی طبیعت و قانون قطبیت امکان درمان و شفا وجود دارد. بر مبنای یکی دیگر از قوانین معنوی که آزادی و حق انتخاب است، هر روز ما می‌توانیم انتخاب کنیم که یک مسیر روشن، شاداب و همراه با سلامتی برای خودمان بسازیم یا اینکه انتخاب کنیم و اجازه دهیم سستی و رخوت زندگی روزمره، سلامتی و طولانی بودن عمرمان را نابود کند.

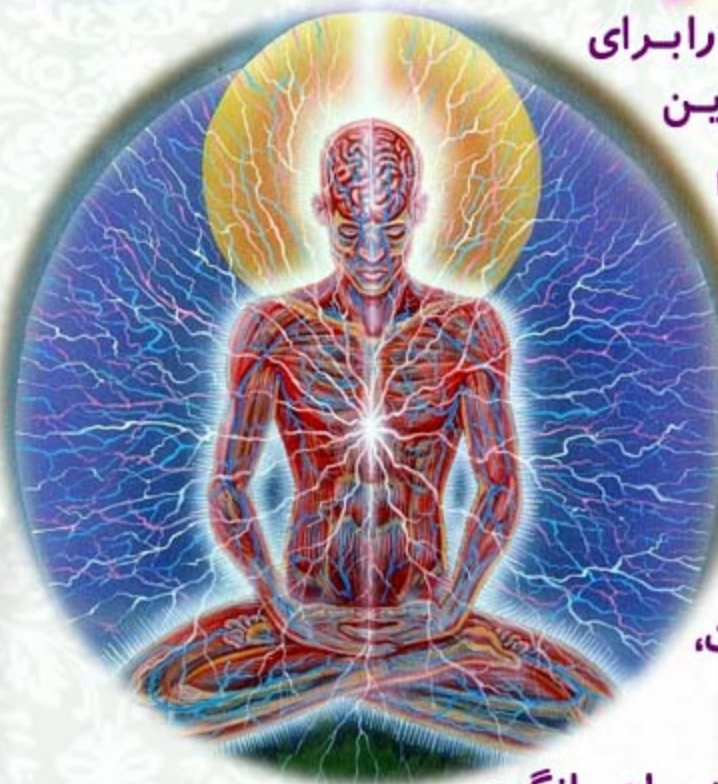


شب‌دای می‌داند که او یک روح است و این جسم که در این زندگی در آن به سر می‌برد، همانند معبد و وسیله‌ای برای روح اوست تا در این زندگی از طریق این جسم تجربیاتی را کسب کند، یاد بگیرد، به آگاهی روح و خداشناسایی برسد و به اک خدمت کند.

فست زندگی  
با همت نام



# طب گیاهی



پس انتخاب با ماست که کدام مسیر را برای سلامتی خودمان انتخاب کنیم. اولین کار این است که در مسیر سلامتی خود از نوع جسم فیزیکی خودمان و نقش بیماری‌ها در رشد معنوی خود اطلاع پیدا کنیم و گیاهان و نوع تغذیه و مواد معدنی مخصوص را بشناسیم که حتی مشکلات و نقص‌های ارثی ما مثل دیابت و غیره را به حالت تعادل درمی‌آورند.

سری سودار سینگ می‌گویند: «آنچه غذاست، اندیشه است».

باین روش به درمانگری معنوی که تنها درمانگری حقیقی در تمام جهان‌های خداوند است، دست پیدا می‌کنیم. درمان کردن جسم فیزیکی کاری بسیار عظیم و شکوهمند است، چون این کار بیان خلاقانه‌ای از عملکردِ اک یا کلام زنده در زندگی ما است. داشتن بدن و ذهن سالم به هر لحظه از زندگی، سلامتی و شادی می‌بخشد و کمک می‌کند تا به درجه‌ی خداشناسی دست پیدا کنیم.

یکی از روش‌های قدیمیِ اک درمان روح است. اولین هدفِ اک فرصت‌دادن به روح برای طی کردن مسیر رسیدن به سوگماد و کمال مطلوب می‌باشد. هزاران سال پی در پی، اساتیدِ اک از متخصصان روش‌های قدیمی بوده‌اند. آنها از گیاهان برای بهبود شرایط جسمی و روحی پیروانِ اک استفاده می‌کردند.

در قرن‌های گذشته اساتیدِ اک به پیروان خود راه شناسایی و پیدا کردن محل رویش گیاهان طبی و طریقه استفاده از این گیاهان را برای تسکین اضطراب‌های قلبی و جسمی آموزش داده‌اند. اساتیدِ اک به گیاهان به عنوان دارویی که سلامتی



ماست نام



# طب گیاهی



را به انسان باز می گرداند، تکیه نکرده اند بلکه تمرینات معنوی در کنار یک تغذیه سالم از مواد معدنی مورد نیاز بدن بسیار لازم و ضروری است.

همچنین اساتید اِک با بیماران بر حسب سطح آگاهی ایشان، برخورد می کردند و بیان کرده اند که برای درمان زخم‌ها، بیماری‌های جسمی و روانی و... شخصی که آگاهی بالاتری دارد، نیاز به تلاش کمتری برای درمان دارد.

معجون‌های دارویی از قدیم مورد استفاده بوده اند مثلاً "مرهم بلسان گیلد" است که یک نوشیدنی ملی در منطقه خاورمیانه است که در روزگاران گذشته هم داستانی در مورد تأثیرات جادویی مرهم گیلد، سینه به سینه نقل شده بود.

گیاهانی که دارای خواص درمانی هستند، در مناطق ویژه‌ای رشد می کنند که توسط استادان اِک شناسایی و در اختیار بشر قرار گرفته و می گیرند. هر استاد اِک از این گفته باستانی پیروی می کند که انسانی با جسم سالم بسیار بهتر از انسانی با جسم دردمند و مضطرب در شناخت خداوند و مسیر معنوی روح تلاش می کند.



با توجه به تعالیم اِک، سلامتی روح و جسم لازمه تمرکز برای شناخت خداوند یا هر موجود دیگری در زندگی است. استاد اِک آموخته و می داند که برای یک فرد خاص کدام گیاه و کدام درمان مفید است. شاید و امکان دارد این گیاه برای شخص دیگری مضر باشد. مصرف یک گیاه در تمام اشخاصی که در یک شرایط مساوی



به سر می برند نتیجه

با هم نام



# طب گنای هندی



یکسانی ندارد، زیرا هر شخصی نسبت به شخصی دیگر از نظر عقلی و جسمانی متفاوت است. همچنین اساتیدِ اک دریافتند که لازمه بهره‌وری از گیاهان، آشنایی با خواص تعداد زیادی از آنها نیست، بلکه می‌توان با مطالعه به روی تعداد اندک از بهترین آنها، به اهداف و خواص سودمندشان پی برد و از آنها استفاده کرد.



مطالعه در انواع طب سنتی نشان می‌دهد که شناخت مزاج هر فرد قبل از شروع به درمان، بسیار مهم است، زیرا مصرف و استفاده از داروهای مبنای مزاج هر فرد اهمیت و تأثیر متفاوت دارد و گاهی ممکن است حتی مضر هم باشد، اگر بر مبنای مزاج فرد نباشد.

از اوایل تاریخ حیات بر روی این سیاره، طبیبان و اساتید معنوی از گیاهان به علت خصوصیات چشمگیرشان به عنوان دارو استفاده می‌کردند. پس مصرف داروهای گیاهی چه بر مبنای طب سنتی و چه بر مبنای طب مدرن، دانشی پیچیده است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده است و سفیران روح هم در این دانش متبحر بوده‌اند. امروزه بشر پس از پیمودن مسیر انحرافی در داروهای غیرگیاهی و غیرطبیعی دوباره به سوی استفاده و بهره‌دستی از گیاهان داروهای سوق می‌یابد تا جهان عاری از بیماری و سرشار از سلامتی سازد.



فست زنده است  
با هست نام  
با هست



# درس از مولانا



در اطراف شهری مسجدی بود که هر کس پای در آن می گذاشت، کشته می شد. هیچ کس جرأت نداشت پا در آن مسجد اسرارآمیز بگذارد، مخصوصاً در شب هر کس وارد می شد در همان دم در از ترس می مرد.

بچه کس روی نخفتی شب بزم که ز فرزندش شد آن شب تیسیم

کم کم آوازه این مسجد در شهرهای دیگر پیچید و به صورت یک راز ترسناک درآمد. تا اینکه شبی مرد مسافر غربی از راه رسید و یکسره از مردم سراغ مسجد را گرفت. مردم از کار او حیرت کردند. از او پرسیدند: «با مسجد چه کاری داری؟ این مسجد مهمان کش است. مگر نهی دانی؟» مرد غریب با خونسردی و اطمینان کامل گفت: «می دانم، می خواهم امشب در آن مسجد بخوابم».

تایکی همسماں درآمد وقت شب کوشنیده بود آن صیب عجب

مردم حیرت زده گفتند: «مگر از جانت سیر شده ای؟ عقلت کجا رفته؟». مرد مسافر گفت: «من این حرف ها سرم فرزند آن



# درس از مولانا



نهی شود. به این زندگی دنیا هم دلبسته نیستم تا از مرگ بترسم». مردم بار دیگر او را از این کار بازداشتند، اما هرچه گفتند، فایده نداشت.

قوم کشتش که بن ایخ محسب  
تا نکوبد جانستانت همچو کسب

مرد مسافر به حرف مردم  
توجهی نکرد و شبانه قدم در  
مسجد اسرارآمیز گذاشت و  
روی زمین دراز کشید تا  
بخوابد.



آن غریب شهبه سر بالا طلب  
گفت می خسیم در این محبند شب



در همین لحظه، صدای درشت و  
هولناکی از سقف مسجد بلند شد و  
گفت: «آهای کسی که وارد مسجد  
شده‌ای! الآن به سراغت می‌آیم و  
جانت را می‌گیرم». این صدای  
وحشتناک که دل را از ترس پاره پاره  
می‌کرد، پنج بار تکرار شد.

فلسفه زندگی  
با هفت نام  
پادشاه





# درس از مولانا



کایم ایم برست استمقید  
می رسید دل ہی شدخت یخت

نیشب آوار باہولی رسید  
چج کرت این چنین آوارخت



ولی مرد مسافر غریب هیچ نترسید و  
گفت: «چرا بترسم؟ این صدا طبل  
تو خالی است. اکنون وقت آن رسیده  
که من دلاوری کنم یا پیروز شوم یا  
جان تسلیم کنم». برخاست و بانگ زد  
که اگر راست می گویی بیا. من آماده ام.  
ناگهان از شدت صدای وی سقف مسجد فرو ریخت و طلسم آن صدا  
شکست. از هر گوشه طلا می ریخت.

تا حیرت زده بیرون می کشید

بعد از آن برخاست آن غمتید

مرد غریب تا بامداد زرها را با توپره از مسجد بیرون می برد و در  
بیرون شهر در خاک پنهان می کرد و برای آیندگان گنجینه زر می ساخت.

خویشتن در باخت آن پروانه خو

شمع بود آن محب پروانه او

بس مبارک آمد آن انداختش

پر بوخت او را و لیکن خستش

با همت نام  
فکر ز یاد رفت

بن گن فتنه از کتاب  
مثنوی معنوی

صفحہ ۲۵

## برنام بنی

نشریه **هامسا ماهنامه فرزندان اک** متعلق به بنیاد بنی فرزندان اک می باشد. این مؤسسه در کالیفرنیا آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندان اک اعم از ترجمه کتاب سخنرانی و کتاب نوشته شده، مقالات، ست سنگها و کارگاهها متعلق به اک (بنی) و بنیاد بنی فرزندان اک، از جمله کتابهای نوشته شده توسط بنیانگذار مؤسسه و متعلق به فرزندان اک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره نشریه برگرفته شده از مقالهها و ست سنگهای اصلین برتر، مهدیسها و آراها تاهای مجموعه بنیاد بنی، تجارب فرزندان، کتابهای اک، سایت های ویکی پدیا و خبری می باشد. این مطالب توسط تیم نشریه جمع آوری، ویرایش و به مقاله بدل گشته است.

افزون بر آن، مقالهها و مطالب دیگر بر مبنای تحقیقات و دریافت های فرزندان اک و توسط ایشان تهیه شده است. ضمناً بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندان اک طراحی و ترسیم شده است.

در صورتیکه که مایل هستید تجارب معنوی شما هم در شماره های بعدی نشر گردد، تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. ضمناً چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با اک و یا مرتبط با مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، می توانید آنها را به همین کاربری ارسال فرمایید

همچنین می توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق همین کاربری یا ایمیل موسسه مطرح بفرمایید و یا برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اک)، ما را در وبسایت و صفحات شبکه های اجتماعی همراهی فرمایید.

وبسایت بنی : [www.Bani-foundation.com](http://www.Bani-foundation.com) .....

وبسایت کی اونکار : [www.Ki-onkar.com](http://www.Ki-onkar.com) .....

روابط عمومی : [T.me/Bani\\_Pr](https://t.me/Bani_Pr) .....

ایمیل روابط عمومی : [Banifoundation.pr@gmail.com](mailto:Banifoundation.pr@gmail.com) .....

لینک کانال های مجموعه : <https://linktr.ee/banifoundation> .....

برکت باشد

